

کلاهبرداری رادیویی این بار از سوی یک زن و شوهر

زن و شوهری که با ترغیب برنده شدن در مسابقه رادیویی اقدام به کلاهبرداری از شهروندان کرده بودند، از سوی پلیس فتا دستگیر شدند.

چندی پیش شهروندی به پلیس فتا مراجعه و اعلام کرد که زنی پس از تماس با او، خود را مجری یک برنامه رادیویی معرفی و ادعا کرده که او برنده یک مسابقه رادیویی شده است.

این زن فضای محیطی را به گونه ای ایجاد کرده بود که مالباخته تصور می کرد واقعا از یک استودیوی ضبط رادیویی با او تماس گرفته شده است. از طرفی دیگر نیز با توجه به اینکه فردی که خود را مجری معرفی کرده بود، صدای خوبی هم داشته، شاکي، فریب آنان را خورده است.

در همین راستا نیز از مالباخته خواسته شده تا برای دریافت جایزه اش سریعاً به نزدیک ترین دستگاه خودپرداز برود. پس از وارد کردن کارت عابربانک به دستگاه، کدهای مختلفی را که مجرم از پشت تلفن به او اعلام کرده بود، وارد دستگاه کند.

با وارد کردن این کدها ناگهان شاکي متوجه خالی شدن حسابش شده و پس از آن نیز دیگر پاسخی به تماس های او داده نشد. بنابراین او هم برای شکایت به پلیس فتا مراجعه کرد.

با اعلام این شکایت رسیدگی به موضوع بلافاصله در دستور کار ماموران قرار گرفت. ماموران با انجام اقدامات تخصصی و فنی موفق به شناسایی محل اختفای متهمان شدند. در همین راستا نیز مجوز قضائی دریافت شده و ماموران دو متهم را که یک زن و یک مرد بودند در مخفیگاه شان در جنوب تهران دستگیر و به مقر انتظامی منتقل کردند.

در تحقیقات انجام شده مشخص شد که دو متهم زن و شوهر بوده و با همکاری یکدیگر تصمیم به چنین اقدامی گرفته و با ترغیب برنده شدن در مسابقه اقدام به خالی کردن حساب شهروندان کردند.

در نهایت متهمان به همراه پرونده تشکیل شده و برای ادامه روند رسیدگی به جرم، روانه دادسرا شدند. تحقیقات در این خصوص همچنان ادامه دارد.

سرهنگ داود معظمی گودرزی، رئیس پلیس فتای تهران بزرگ با اعلام این خبر به شهروندان هشدار داد که به هیچ عنوان فریب چنین تماس ها و وعده هایی را نخورده و مطمئن باشند که هیچ یک از شبکه های رادیویی و تلویزیونی برای اعلام برنده شدن در مسابقه چنین کاری انجام نداده و چنین تماس هایی قطعاً کلاهبرداری است.

...

سرقت میلیاردي از شرکت به خاطر حسادت به مدیرعامل

متهمان از همسران شان به عنوان پوشش در دزدی استفاده کردند

دو نفر از کارمندان شرکتی در شمال تهران به خاطر حسادت به مدیرعامل شان، ۱۵ میلیارد ریال از اموال شرکت را سرقت کردند.

در پی وقوع سرقتی در یکی از شرکت های خصوصی الکترونیکی مشخص شد که سارق یا سارقان مقادیر فراوانی اموال مربوط به شرکت را به ارزش ۱۵ میلیارد ریال سرقت کرده اند.

بررسی های کارآگاهان نشان از داخلی بودن سرقت داشت. بدین ترتیب مراقبت های ویژه در خصوص تردد کارمندان شرکت انجام و در ادامه مشخص شد که دو نفر از کارمندان مورد اعتماد شرکت، سرقت ها را با حضور همسران شان انجام داده اند.

با شناسایی مخفیگاه یکی از کارمندان، متهم به همراه همسرش دستگیر و در تحقیقات اولیه از متهمان مشخص شد که حضور همسران در شامگاه سرقت پوششی بوده است و همسران هر دو کارمند از سرقت بی اطلاع هستند.

در شاخه دیگری از تحقیقات مشخص شد که متهم دوم پرونده پس از اطلاع از دستگیری همدستش به شهرستان های اطراف تهران متواری شده است. او با قطع ارتباط با اعضای خانواده اش سعی در ادامه زندگی مخفیانه دارد.

با رصدهای دقیق اطلاعاتی و هوشمندی کارآگاهان در نهایت سارق متواری در حالی که با لباس زنانه به مخفیگاهش تردد داشت شناسایی شد. پس از هماهنگی های قضائی متهم در مخفیگاهش دستگیر و به این مرکز انتقال یافت.

سرهنگ «کرم یوسفوند» رئیس مرکز عملیات پلیس آگاهی تهران بزرگ با اعلام این خبر گفت: «متهمان در بازجویی های انتظامی انگیزه سرقت را حسادت به مدیرعامل شرکت اعلام کردند. در نهایت هر دو سارق با دستور قضائی روانه زندان شدند.»



گفت وگوي «شهروند» با خانواده ۲ خبرنگار محیط زیست که در حادثه اتوبوس جان باختند

مقصران اصلی را معرفی کنید

سیمافراهانی | داغ شان هنوز تازه است. ۲۱ هفته از آن روز تلخ گذشته ولی هنوز هم درست مثل روز اول عزادارند. داغ ریحانه و مهشاد خانواده های آنها را از پا درآورده؛ دو خبرنگار محیط زیستی که روز دوم تیرماه بر اثر تصادف اتوبوس جان خود را از دست دادند. پرونده پیگیری شد و فرازونشیب های زیادی داشت. تا اینکه در نهایت مقصران این حادثه معرفی شدند. مدیرکل حفاظت محیط زیست استان، رئیس شهرستان و دبیر ستاد احیای استان و منطقه ارومیه علاوه بر راننده، مقصران واژگونی اتوبوس خبرنگاران شناخته شدند. با این حال هنوز تسکینی برای دل های داغ دیده این دو خانواده وجود ندارد، اما آنها به دنبال کشف حقیقت هستند. پیگیر پرونده هستند و در گفت وگو با خبرنگار «شهروند» از روزگار سخت شان می گویند:

علی سلطان محمدی، همسر مهشاد کریمی است. دختری که اجل مهلتش نداد تا به عروسی خودش برسد. حالا خانواده اش مانده اند با داغی بزرگ که هیچ تسکینی برایش پیدا نمی کنند. دامادی که نتوانست لباس دامادی اش را به تن کند، هنوز هم اشک می ریزد.

۲۱ هفته برایش به اندازه ۲۱ سال گذشته است، اما همچنان مثل روز اول عزادار عروسش است؛ «از این ناراحتی که چرا مخالفت نکردم. مهشاد آنقدر ذوق داشت برای رفتن به این سفر که نتوانستم مخالفت کنم. حتی با دیدن خوشحالی او، من هم ذوق کردم. به او گفتم همه کارهای باقیمانده عروسی مان را انجام می دهم. تو با خیال راحت برو. وقتی برنامه های سفر را برایم می خواند، ذوق داشت. مهشاد عاشق کارش بود.»

زندگی مان نابود شد

اینها را با اشک می گوید: «هنوز هم مثل روز اول داغ مان تازه است. حتی ذره ای نتوانسته ایم آرام شویم. هیچ تسکینی برای دل داغ دیده ما وجود ندارد. پدر و مادر مهشاد در وضعیت روحی بدی به سر می برند. هیچ چیز نمی تواند آنها را آرام کند. مهگل تنها

خواهر مهشاد حالا خود را بی کس و تنهایی بیند. او چهار سال از مهشاد کوچک تر بود. چون پدر و مادرشان سر کار می رفتند، این دو خواهر با هم بزرگ شدند. مهگل حالا بزرگ ترین تکیه گاهش را از دست داده است. مگر می شود آرام بگیرد. هیچکس به اندازه مهگل حالش بد نیست. زندگی مادر آن روز تلخ یعنی ۲۱ هفته پیش نابود شد.»

دلتنگی در صدایش موج می زند. دلتنگ عروسی که هیچ وقت نتوانست زندگی مشترکش با او را تجربه کند: «مهشاد عاشق کارش بود. دلسوزانه کار می کرد. دغدغه محیط زیست را داشت. گزارش هایی می نوشت که تأثیرگذار بود. او مصرانه مصاحبه می گرفت. از قانون هوای پاک و تبعات عدم اجرایش می نوشت. اولین بار مهشاد بود که ماجرای مازوت سوزی را کشف کرد. کنار خودم نشسته بود و از طریق یک سایت بین المللی، شاخص هوای تهران را بررسی کرد. در نهایت به مازوت سوزی رسید. گزارش نوشت و مسئولان سازمان حفاظت محیط زیست را مورد سوال قرار داد. سرانجام به مصرف سوخت مازوت در برخی نیروگاه های تهران اعتراف کردند. برای همین هم وقتی به آن سفر رفت با عشق و علاقه زیاد رفت.»

مقصران بیشتر

آخرین بار چهار ساعت پیش از حادثه با همسرش صحبت کرد. وقتی مهشاد داشت از برنامه های این سفر به او می گفت، هرگز تصورش را هم نمی کرد که دیگر عروسش را نبیند: «مهشاد برایم چند عکس فرستاد. تلفنی به صورت کلی از برنامه های سفر گفت. ولی گفت بقیه اش را وقتی برگشت با جزئیات برایم تعریف می کند. اما دیگر هرگز نه صدایش را شنیدم و نه او را دیدم. پنج روز مانده بود به عروسی مان که مهشاد را از دست دادم. حالا هم مقصران حادثه را مشخص کرده اند. در اینکه راننده مقصر بوده شکی نیست. بقیه مسافران هم این را تایید می کنند که راننده از نقص فنی اتوبوس خبر داشته است. برای همین اصلاً نباید این سفر را می رفت. با این حال این پرونده در سطح مسئولان محلی، بررسی شده، دادستانی شهرستان نقده تحقیقات را انجام داده

است. کارشناسی و اعلام نظر هم شد. بعد از آن پرونده برای بررسی مقصران سطوح بالاتر به ارومیه ارجاع داده شد. این ارجاع قطعاً به تهران هم خواهد رسید. برای بررسی میزان تقصیر کسانی که از پایتخت هماهنگی ها را انجام دادند. قطعاً اگر تحقیقات بیشتری صورت بگیرد، مقصران بیشتری هم پیدا می شود. بحث ما بحث انتقام نیست. فقط می خواهیم دیگر چنین اتفاقی رخ ندهد. قطعاً اگر بررسی گسترده تری صورت بگیرد، سطوح مقصران هم بالاتر خواهد رفت.»

نمی توانم حال مان را توصیف کنم

بهراد مهرجو، همسر ریحانه با سینی هم پیگیر پرونده است. او از داغ بزرگی که خودش و خانواده اش دیده اند، می گوید. او نیز به دنبال مقصران دیگر این ماجراست. بهراد تمام این حادثه را بی عدالتی می داند: «هیچکدام شرایط خوبی نداریم. روحیه همه ما خراب است. شاید برای همه این مساله و اتفاق تلخ، عادی شده باشد، اما ما همچنان داغداریم. هنوز هم در شوک حادثه به سر می بریم. باورم نمی شود که ریحانه دیگر نیست. نمی توانم واژه مناسبی برای توصیف حال مان پیدا کنم. ولی هنوز هم این مساله را نپذیرفته ایم. با یک خواب و رویا از ریحانه دوباره همانقدر عذاب می کشیم. با دیدن یک عکس و خبر از این اتفاق دوباره داغ ریحانه تازه می شود. مگر می شود چنین مساله ای را فراموش کرد.»

مسئولان تهرانی هم مقصرند

او ادامه می دهد: «برای همین است که می گویم مقصران دیگری هم باید معرفی شود. در کارشناسی اول فقط راننده مقصر بود. ولی مگر می شود حادثه ای به این بزرگی فقط یک مقصر داشته باشد. برای همین وکیل پرونده اعتراض کرد و حالا مقصران استانی هم معرفی شده اند. ولی به نظر من مسئولان در تهران نیز باید مقصر معرفی شوند. چون تمام هماهنگی ها در تهران انجام شد. خودم در کنار همسرم بودم و در جریان تمام این اتفاقات هستم. برای همین امیدواریم که این بررسی ها و تحقیقات دقیق تر و بهتر صورت بگیرد. چون دو خانواده عزادار شده اند و روزگار سختی را



ریزش کانال در حال ساخت و مصدومیت یک کارگر

مدت زمان چهار دقیقه به محل رسیدند و مشاهده کردند در مجاورت یک برج، کانالی در حال حفر بوده که یک کارگر افغانستانی حدوداً ۲۲ ساله در محل مشغول به کار بوده است. به یک باره بخشی از کانال تخریب و این فرد تا بالای کمر زیر خاک گرفتار می شود. آتش نشانان با توجه به اینکه احتمال ریزش مجدد وجود داشت، ایمن سازی های لازم را انجام داده و عملیات رها سازی فرد را آغاز کردند. آتش نشانان پس از مدتی تلاش، این کارگر را زنده اما آسیب دیده از داخل کانال خارج کرده و به عوامل اورژانس تحویل دادند.»

یک کانال در حال ساخت در ورزشگاه آزادی ریزش کرد و یک کارگر نیز مصدوم شد. سیدجلال ملکی، سخنگوی سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران در باره جزئیات وقوع این حادثه گفت: «ساعت ۱۱:۰۶ روز چهارشنبه یک مورد حادثه گرفتار شدن فرد داخل کانال در حال حفر در بلوار ضلع غربی ورزشگاه آزادی، خیابان وفایی به سامانه ۱۲۵ سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران اعلام شد. بلافاصله پس از آن دو ایستگاه به محل حادثه اعزام شدند. آتش نشانان در